

وینگشتا

و حکم

مالک حس

فهرست

- یادداشت برای ترجمه فارسی..... ۱
- پیشگفتار..... ۳
- توضیحات روشی و اختصارات کتاب شناختی..... ۵
- اختصارات..... ۷
- مقدمه..... ۹
۱. درباره حکمت..... ۹
۲. درباره «ویتگنشتاین و حکمت»..... ۱۵
۳. نگاهی کلی به کتاب..... ۲۴
- فصل یک: «حکمت» نزد ویتگنشتاین..... ۲۷
- نکته‌های مقدماتی..... ۲۷
- «حکمت» نزد ویتگنشتاین..... ۲۸
- نکته‌های پایانی..... ۵۸
- فصل دو: فلسفه..... ۶۳
- نکته‌های مقدماتی..... ۶۳
۱. راه فلسفیدن..... ۶۸
- الف. سر دریاوردن..... ۶۸

یادداشت برای ترجمه فارسی

کتاب پیش رو، که در اصل رساله دکتری بوده، ابتدا به زبان آلمانی منتشر شده است؛^۱ خوشحالم که اکنون ترجمه فارسی آن هم به چاپ می‌رسد. در برگرداندن کتاب به فارسی تنها خطاهای جزئی و غلط‌های چاپی را اصلاح کرده‌ام، از هرگونه دخل و تصرف صوری و محتوایی پرهیز کرده‌ام و بر وسوسه شرح و بسط بخش‌هایی از کتاب – به تناسب مخاطب فارسی‌زبان – غالب آمده‌ام تا هم انتشار تحریر فارسی به تأخیر زیاد نیفتد هم اثری متفاوت با اصل به خواننده فارسی‌زبان تحویل نداده باشم.

دکتر میرشمس‌الدین ادیب‌سلطانی اصل آلمانی کتاب را خواندند و با نقد و نظرهای دلگرم‌کننده مرا ترغیب به انتشار ترجمه فارسی کردند؛ از ایشان سپاسگزارم. ترجمه فارسی را دکتر فاطمه مینایی به خواهش من ویرایش کرد؛ از او بسیار سپاسگزارم.

همراهی و پشتیبانی همسرم پروانه عروج‌نیا در زمان نوشتن این کتاب فراموشم نشده است؛ ترجمه فارسی را نیز، همچون اصل آلمانی، به او تقدیم می‌کنم.

مالک حسینی

فروردین ۱۳۸۸

در چاپ‌های سوم و چهارم ترجمه فارسی تغییرات و اصلاحات زبانی نسبتاً فراوانی اعمال شده و غلط‌های چاپی رفع شده است.

مالک حسینی

بهمن ۱۴۰۱

1. Malek Hosseini. *Wittgenstein und Weisheit*, Kohlhammer, Stuttgart, 2007.

پیشگفتار

نخستین آشنایی من با ویتگنشتاین از طریق رسالهٔ منطقی - فلسفی بود وقتی در دانشگاه تهران دانشجوی فلسفه بودم؛ البته چیز کمی از آن فهمیدم، ولی حیرتم را هرگز نتوانستم فراموش کنم: چه حکیمانه است این کتاب کوچک «منطقی».

با دیگر آثار ویتگنشتاین بعداً مواجه شدم - وقتی خواستم رسالهٔ کارشناسی ارشدم را دربارهٔ کتاب در باب یقین او بنویسم و آن را به فارسی برگردانم. این کتاب را هم «حکمت‌آمیز» یافتم و برایم این پرسش پیش آمد که آیا فقط یک اتفاق است که در مواجهه با ابتدا و انتهای آثار متفکری احساس مشابهی داشته باشی؟ خوشحالم که فرصت یافته‌ام به این پرسش بپردازم و امیدوارم که تلاش من برای دیگران هم سودمند باشد، ولو اینکه با نتایج و لوازم آن موافق نباشند. در مورد تفسیر ویتگنشتاین بعید است کسی بتواند با اطمینان ادعا کند که در همه جا راه درست را رفته است. پس من هم آرزو می‌کنم که بیراهه نرفته باشم و کارم با روح آثار ویتگنشتاین سازگار باشد.

در تحقق اثر حاضر به ویژه سپاسگزار و یلهم فُسنکول هستم نه فقط برای حمایت ارزشمندش در مقام استاد راهنمای رسالهٔ دکتری‌ام، بلکه برای محبت و خیرخواهی همیشگی اش. از آکسیل ماتس سپاسگزارم برای گفتگوهای زیبا دربارهٔ حکمت، و از فلیکس موله‌لثسِر برای نکته‌های

توضیحات روشی و اختصارات کتاب‌شناختی

تحقیق حاضر عمدتاً مبتنی است بر آثار چاپی ویتگنشتاین؛ به این ترتیب تا حد زیادی بر «مجموعه آثار» (Suhrkamp Werkausgabe). با این حال، از نسخه الکترونیک میراث نیز، به ویژه در فصل یک – به اقتضای موضوع آن – غفلت نشده است. به استثنای مواردی اندک که بی جهت نبوده است، به مطالب چاپ‌شده ویتگنشتاین ارجاع داده‌ام، نه به میراث، مگر آنکه از شکل چاپی آن مطلب بی‌خبر بوده باشم. پس کار بر اساس آثار چاپ‌شده ویتگنشتاین پدید آمده است، ولی تا آنجا که ممکن بوده با توجه به میراث تکمیل شده است؛ از این رو، برای آن افرادی که «کتاب‌های» ویتگنشتاین را برای پژوهش آکادمیک ناکافی می‌دانند ممکن است کار پیش رو ناقص به نظر برسد.

از حیث روش، کار پیش رو مبتنی است بر «تفسیر متن با متن»؛ از همین روست که نقل قول‌های بسیاری در آن آمده است. شیوه‌ای که من طبق آن نکته‌های ویتگنشتاین را کنار هم می‌آورم و از کلیت آن‌ها می‌کوشم فهم خود را از تفکر و زندگی او موجه کنم نتیجه کار است؛ یعنی فهمی از ویتگنشتاین، تفسیر من از تمامیت آن و نه مثلاً حرف‌های تازه پراکنده یا معنایی که از برخی نکته‌ها می‌فهمم. پس همه آثار ویتگنشتاین یک کل تلقی شده است؛ موضوع پژوهش چنین تلقی‌ای را روا می‌دارد. (در این مناقشه نمی‌کنم که ویتگنشتاین دو فلسفه پدید آورده یا دو – و در این صورت چرا نه سه یا حتی چهار؟ – دوره فکری داشته است؛ ولی من یک